



دهه ۶۰ آغاز فول اجتماعی نیست

گفتاری از **عباس کاظمی** درباره کتاب «چه شد؟» نوشته محسن گودرزی و عبدالمحمد کاظمی پور



برنج در راه چای؟

بررسی اظهارات نماینده رشت و واکنش وزارت جهاد کشاورزی درباره تخصیص ارز



شوخی‌های جدی پیرمرد نودساله

نکوداشت **بهمن رضایی** کاریکاتور یست پیشکسوت ایرانی



زور آزمایی در بازار نفت ۲۰۲۴

چشم انداز انرژی سال آینده با گفتارهایی از **عباس ملکی** و **هاشم اورعی**

بررسی پیامدهای سخنرانی رهبری برفضای انتخابات درگفت وگوبامحمد عطریانفر جوادهروی، منصور حقیقت پور و حسین نورانی نژاد



حالی جناح رفیب



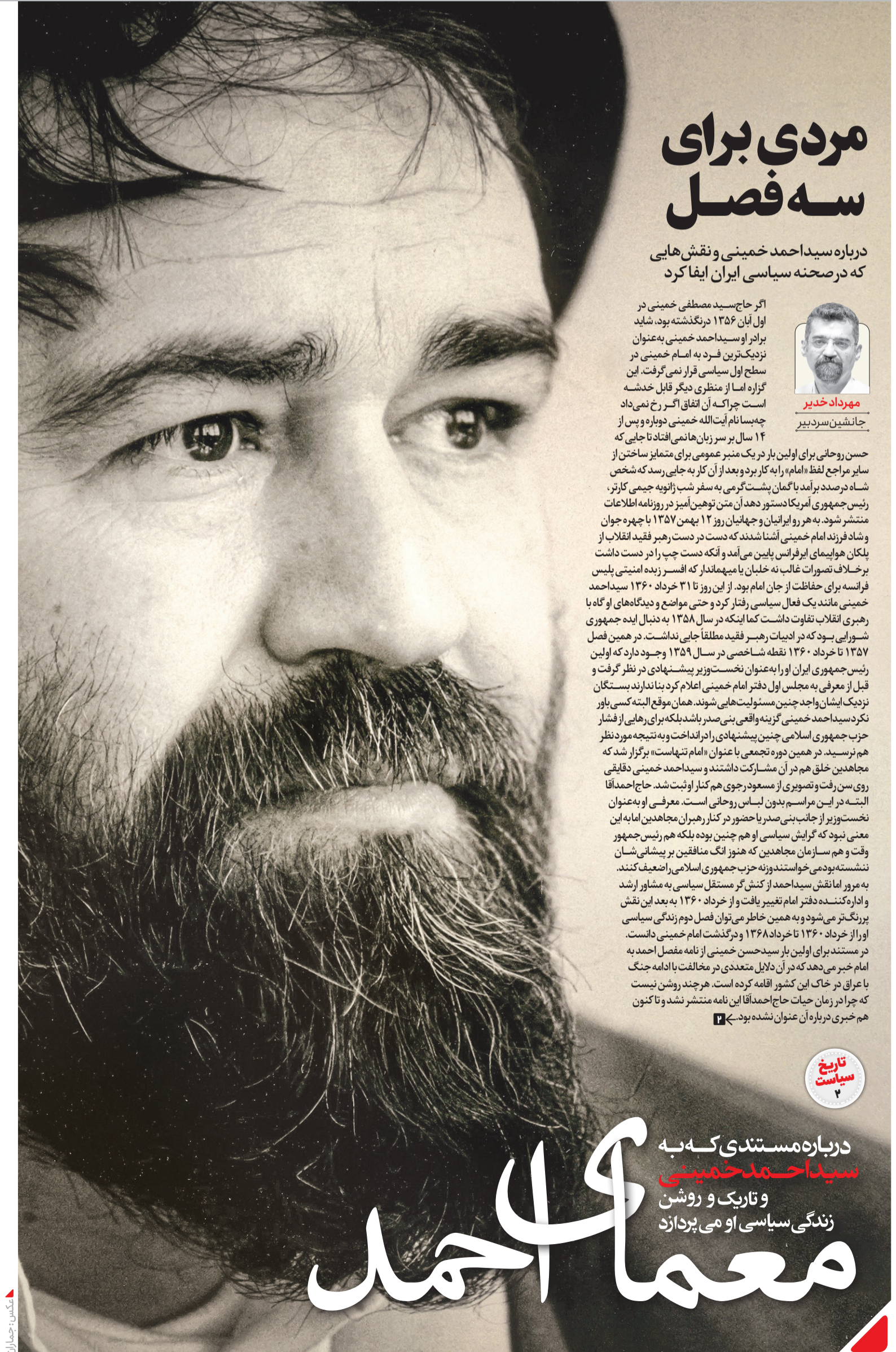
واکنش وزیر کشور به بیانات رهبری:

همه طیف‌های سیاسی را در انتخابات داریم



جناح نگران

سخنان و نکات مقام رهبری در روز شنبه که درباره انتخابات بیان شد، از هر جهت واجد مضمونی به‌روز و مرتبط با واقعیت سیاسی ایران بود. هرچند انتظار می‌رفت که بخشی از منتقدان وضع جاری، همچنان پایبندی خود را بر عدم شرکت اعلام کنند و بخش دیگری منتظر بمانند تا ببینند آیا مسئولین امر تغییری در سیاست‌های خود می‌دهند یا خیر؟ ولی انتظار نمی‌رفت که دست‌اندرکاران انتخابات زودتر از همه تفسیر متفاوتی از این سخنان بنمایند. این انتظار دیری نیابید، چون روز گذشته وزیر کشور آب پاکی را روی این انتظارات ریخت و اعلام کرد که این در همچنان بر همان پاشنه می‌چرخد. از این موضع وی باید چنین برداشت کرد که اگر فیلتر استصوابی تنگ‌تر نشود، قطعاً فراج‌تر نخواهد شد. وی گفت: «بیانات روز گذشته رهبر انقلاب درباره انتخابات بسیار کلیدی و مهم بود و با راهنمایی و تدابیر ایشان انشالله حرکت خیلی خوبی را در این حوزه خواهیم داشت... ما تا این مرحله از همه طیف‌های سیاسی و سلاقی را در انتخابات داریم.» اکنون پرسشی که از ایشان وجود دارد، این است که آیا سخنان رهبری، موضعی تکراری و عادی بود که هیچ تأثیری بر رفتار کنونی وزارت کشور و دیگر مجریان انتخابات ندارد؟ یا چنین می‌فهمند که این مواضع حتی اگر جدید هم نباشد، با توجه به شرایط کنونی کشور و کاهش شدید میل مردم به مشارکت بیان شده است و این به معنای آن است که باید تحولی در رفتارها و سیاست‌های رسمی رخ دهد؟ حداقل بخشی از جامعه و منتقدان چنین فهمیدند. حال اگر آقای وزیر کشور بر اساس اطلاعات یا تحلیل خود معتقد است که این سخنان به معنای لزوم تغییر سیاست و عملکردهای رسمی در انتخابات نیست، این را اعلام کنند تا دیگران از تصورات نادرست خلاص شوند. ←



مردی برای سه فصل

درباره سید احمد خمینی و نقش‌هایی که در صحنه سیاسی ایران ایفا کرد



مهرداد خدیر جانشین سردبیر

اگر حاج‌سید مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ درنگ‌ناشته بود، شاید برادر او سید احمد خمینی به‌عنوان نزدیک‌ترین فرد به امام خمینی در سطح اول سیاسی قرار نمی‌گرفت. این گزاره اما از منظری دیگر قابل‌خداشه است چراکه آن اتفاق اگر رخ نمی‌داد چه‌بسا نام آیت‌الله خمینی دوباره و پس از ۱۴ سال بر سر زبان‌ها نمی‌افتاد تا جایی که حسن روحانی برای اولین بار در یک منبر عمومی برای متمایز ساختن از سایر مراجع لفظ «امام» را به کار برد و بعد از آن کار به جایی رسید که شخص شاه در صدد برآمد با گمان پشت‌گرمی به سفر شب‌زائویه جیمی کارتر، رئیس‌جمهوری آمریکا دستور دهد آن متن توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات منتشر شود. به هر رو ایرانیان و جهانیان روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با چهره جوان و شاد فرزند امام خمینی آشنا شدند که دست در دست رهبر فقید انقلاب از پلکان هواپیمای ایرفرانس پایین می‌آمد و آنکه دست چپ را در دست داشت برخلاف تصورات غالب نه‌خلبان یا میهماندار که افسر زنده امنیتی پلیس فرانسه برای حفاظت از جان امام بود. از این روز تا ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ سید احمد خمینی مانند یک فعال سیاسی رفتار کرد و حتی مواضع و دیدگاه‌های او گاه با رهبری انقلاب تفاوت داشت کما اینکه در سال ۱۳۵۸ به دنبال ایده جمهوری شورایی بود که در ادبیات رهبر فقید مطلقاً جای نداشت. در همین فصل ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۰ نقطه شاخصی در سال ۱۳۵۹ وجود دارد که اولین رئیس‌جمهوری ایران او را به‌عنوان نخست‌وزیر پیشنهادی در نظر گرفت و قبل از معرفی به مجلس اول دفتر امام خمینی اعلام کرد بنا ندارند بستگان نزدیک ایشان واجد چنین مسئولیت‌هایی شوند. همان موقع البته کسی باور نکرد سید احمد خمینی گزینه واقعی بنی‌صدر باشد بلکه برای‌رهایی از فشار حزب جمهوری اسلامی چنین پیشنهادی را در انداخت و به نتیجه مورد نظر هم نرسید. در همین دوره تجمعی با عنوان «امام تنه‌است» برگزار شد که مجاهدین خلق هم در آن مشارکت داشتند و سید احمد خمینی دقایقی روی سن رفت و تصویری از مسعود رجوی هم کنار او ثبت شد. حاج‌احمد آقا البته در این مراسم بدون لباس روحانی است. معرفی او به‌عنوان نخست‌وزیر از جانب بنی‌صدر یا حضور در کنار رهبران مجاهدین اما به این معنی نبود که گرایش سیاسی او هم چنین بوده بلکه هم رئیس‌جمهور وقت و هم سازمان مجاهدین که هنوز انگ منافقین بر پیشانی‌شان ننشسته بود می‌خواستند وزنه حزب جمهوری اسلامی را ضعیف کنند. به مرور اما نقش سید احمد از کنش‌گر مستقل سیاسی به مشاور ارشد و اداره‌کننده دفتر امام تغییر یافت و از خرداد ۱۳۶۰ به بعد این نقش پررنگ‌تر می‌شود و به همین خاطر می‌توان فصل دوم زندگی سیاسی او را از خرداد ۱۳۶۰ تا خرداد ۱۳۶۸ و درگذشت امام خمینی دانست. در مستند برای اولین بار سید حسن خمینی از نامه مفصل احمد به امام خبر می‌دهد که در آن دلایل متعددی در مخالفت با ادامه جنگ با عراق در خاک این کشور اقامه کرده است. هرچند روشن نیست که چرا در زمان حیات حاج‌احمد آقا این نامه منتشر نشد و تاکنون هم خبری درباره آن عنوان نشده بود. ←



درباره مستندی که به **سید احمد خمینی** و تاریک و روشن زندگی سیاسی او می‌پردازد

معما احمد